

بررسی کیفی تأثیر فمینیسم رادیکال بر نقش زن در نهاد خانواده و مقایسه آن با تمهیدات اسلام (مطالعه موردی زنان شهر اصفهان)

بهجت یزدخواستی، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

حوریه ربانی اصفهانی، دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه اصفهان

چکیده

خانواده رکن اساسی جامعه انسانی است و شرط پویایی و استواری آن، وجود روابط صحیح و پایدار میان زن، شوهر و فرزندان است. اسلام به عنوان عالی‌ترین راهنمای حیات بشری، ۱۴۰۰ سال پیش بهترین هدایتگری و نظریه‌پردازی در مورد خانواده را انجام داده، تمامی دستورهای اسلام به نوعی ناظر بر صیانت از خانواده است. جامعه کنونی ایران به عنوان مهم‌ترین کشور شیعی، سعی در پیاده کردن اصول و راهکارهای اسلام در زمینه‌های مختلف کرده، ولی این امر تحت تأثیر عوامل متعددی، از جمله: ورود فرهنگ غرب به کشور به خصوص آثار جنبش فمینیسم، بازمانده فرهنگ پدرسالاری سنتی و... است که آموزه‌های اسلامی را در مواردی کم رنگ نموده است. در این مقاله سعی شده تا با روش مصاحبه به بررسی تأثیر فمینیسم بر نهاد خانواده (مطالعه کیفی زنان اصفهان) پردازیم و در این میان، به نقش زن به عنوان زیربنای اصلی خانواده که مورد بیشترین هجوم فمینیسم رادیکال است، پرداخته شده است. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده کردیم و این نتیجه به دست آمد که با وجود تفکر مردسالارانه در فرهنگ ایرانی و نفوذ تفکر فمینیستی در جامعه، همچنان تفکر اسلامی مبنی بر حفظ کانون خانواده، اهمیت نقش مادری و همسری، رشد و تعالی زن در کنار مراقبت از حریم خانواده و... سرلوحه زندگی زن ایرانی قرار دارد و هنوز هم زن مهم‌ترین نقش خود را در خانواده و حفظ و تعالی آن می‌بیند؛ ولی در زمینه حجاب و پوشش متأسفانه این مطلب بسیار کمرنگ شده و بروز تقیدات مذهبی در این زمینه بسیار کاهش یافته و لزوم فرهنگ‌سازی صحیح را در این زمینه‌ها نشان می‌دهد.

کلید واژه‌ها: خانواده، فمینیسم، رادیکال، زن، اسلام

مقدمه

در جوامع غربی از دیرزمان باورهای اجتماعی تبعیض آلودی درباره زنان بوده که نشان‌دهنده ارزش و منزلت پایین زن نسبت به مردان است. بخشی از این باورها از اندیشه تحریف شده یهودیت و مسیحیت برمی‌خیزد. در تورات وجود زنان تلخ‌تر از مرگ پنداشته شده است و در دعای روزانه یهودیان است که سپاس خدای را که مرا مرد آفرید یا در تعلیمات اصحاب معبد و کلیسا، زن خادم مرد و مرد ارباب اوست و گاه زن را به اقتضای سرشت خود در موقعیت بردگی قرار می‌دادند (گرو، ۱۳۷۹: ۵۱-۷۰).

در فلسفه یونان و الهیات یهودی^۱ مسیحی، زن همچون همدمی ناقص برای مرد تنها برای مرد و تنها برای رفع نیاز مردان تعریف شده است. مردان با عقلانیت، تمدن و امور بزرگ مرتبط می‌شوند؛ اما زنان با امور غیرعقلانی، شهوت و طبیعت ربط می‌یابند (بیسلی، ۱۳۸۵: ۵۱-۷۰). نمونه‌هایی از نگرش اجتماعی به موقعیت زنان را می‌توان در آراء فیلسوفان عصر جدید در غرب مشاهده کرد. شوپنهاور زن را حیوانی می‌داند با گیسوانی بلند و افکار کوتاه. از نظر نیچه زن موجودی است که برای خدمت کاری آفریده شده است و فقط در حالت فرودستی به کمال می‌رسد (گرو، ۱۳۷۹: ۸۰-۸۴).

محرومیت‌های اجتماعی زنان، فقدان شخصیت حقوقی، نابرابری شغلی و نداشتن حق رأی، مهم‌ترین چالش‌های زن غربی بود که نخستین موج فمینیسم را به هدف برابری با مردان و بهره‌مندی از حقوق و مزایای یکسان به وجود آورد. این مرحله به شکل افراطی در برخی آثار مدافعان جنبش زنان تا مردستیزی و گاه خانواده ستیزی هم پیش می‌رفت و این نشان می‌دهد که فمینیست‌ها در اهداف تساوی خواهانه خود حاضر بودند به همان ستیز جنسیتی دچار شوند که مردان مبتلا بودند و بدین ترتیب، بنیادی‌ترین هسته اجتماعی؛ یعنی خانواده را نادیده بگیرند (مشیرزاده، ۱۳۸۲: ۶۱-۷۵).

تاریخچه فمینیسم

تاریخ فمینیسم از زمان آگاهی بشر آغاز می‌شود؛ یعنی هر جا

که زنان تحت ظلم و ستم بوده‌اند، افرادی نیز بوده‌اند که آن را مورد اعتراض قرار داده‌اند که غالباً خود زن‌ها بوده‌اند. پس به یک معنا همیشه نوعی چشم‌انداز فمینیستی وجود داشته است. مهم‌ترین روایت فمینیستی در جامعه معاصر و غرب، جنبش آزادی زنان است که به دنبال مبارزات طولانی مدت زنان از قرن‌ها قبل و بالاخص در اعتراض به مردسالاری حاکم بر اعلامیه حقوق بشر فرانسه در سال ۱۷۸۹ شکل گرفت؛ زیرا این اعلامیه حقی برای زنان در نظر نگرفته بود. از آن پس دانشمندانی چون آگوست کنت در سال ۱۸۶۹ و جان استوارت میل در سال ۱۸۶۹ نظریه برابری زن و مرد را در چارچوب حقوق فردی و اومانیستی مطرح کردند.

انتشار کتاب ماری ولستون کرافت با عنوان: اثبات حقوق زنان^۱ به عنوان نخستین بیان سیستماتیک فمینیستی و سنگ بنای فمینیسم مدرن پذیرفته شده و در زمره مهم‌ترین حوادث تاریخ اندیشه فمینیست به شمار می‌رود (رستمی، ۱۳۷۹: ۲۴).

فمینیسم در قرن نوزدهم و بیستم، آشکارا وجهه سیاسی^۲ اجتماعی پیدا کرد و احتمالاً مهم‌ترین اثر فمینیستی قرن نوزدهم، رساله جان استوارت میل به نام «انقیاد زنان» است که در سال ۱۸۶۵ منتشر شد. میل در این رساله، انقیاد هر یک از دو جنس را نسبت به دیگری رد کرده، از اصل برابری کامل دفاع می‌کند (استوارت میل، ۱۳۷۹: ۶۹).

در سال ۱۹۴۹ اجلاس سازمان آموزشی^۳ علمی- فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) در خصوص موقعیت زنان برای تأمین حقوق برابر سیاسی و فرصت‌های آموزشی برای زنان در دنیا تأسیس شد و در سال ۱۹۶۰ به خصوص در آمریکا فمینیسم تولدی دوباره داشت و سازمان ملی زنان NOW^۴ در سال ۱۹۶۶ تشکیل شد و فعالیت این گروه‌ها و سازمان‌ها تا امروز همچنان ادامه دارد. در واقع، فمینیست‌ها افرادی هستند که تحت ستم بودن زنان، مناسبات نابرابر مرد و زن در خانه، اشتغال و... را که به دلیل جنسیتشان به وجود آمده، مورد توجه قرار می‌دهند و خواستار تغییر مناسبات

^۱ Vindication of the Right of Woman

^۲ National Organization of Woman

نابرابر میان زنان و مردان هستند (رستمی، ۱۳۷۹: ۲۴-۲۵).

بدین ترتیب، محور تفکر و رفتار فمینیسم، جنسیت است و وجه اصلی تمامی تفاسیر و گونه‌های آن، این باور است که زنان به دلیل جنسیتشان گرفتار تبعیض هستند و هدفشان محو هر گونه نابرابری بر پایه تفاوت‌های جسمی و فیزیکی است (آقاجانی، ۱۳۸۸: ۱۸).

موضوع‌هایی که از اواخر دهه ۱۹۶۰ از سوی فمینیست‌ها مطرح شد، مانند: سقط جنین، رب، ناهمجنس خواهی اجباری، هرزه‌نگاری، فن‌آوری تولیدمثل که در اصطلاح به آن مادر میانجی می‌گویند و پیشنهاد سوسیالیسم جنسی و خانواده گسترده به جای خانواده هسته‌ای و ...، جایی برای تعهدات اخلاقی باقی نگذاشته است (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۷۱).

امواج فمینیسم

الف) موج اول فمینیسم

مرحله اول از سه مرحله تکامل جنبش فمینیسم از سال ۱۸۵۰ تا ۱۹۲۰ است که به آن موج اول یا دستیابی به حق رأی اطلاق می‌شود و آغاز آن را به کتاب اثبات حقوق زن ماری ولستون کرافت نسبت می‌دهند. جنبش فمینیستی در آمریکا در سال ۱۹۲۰ موفق به کسب حق رأی برای زنان شد و این حقی بود که مبنای تحرک سیاسی زنان موج اول را شکل داد. از نویسندگان موج اول ماری استل، نویسنده انگلیسی بود که زنان را وامی‌داشت از ازدواج بپرهیزند و از زندگی عاری از وابستگی به مردان لذت ببرند و جان استوارت میل که با کتاب *انتقادی زنان برابری حقوق زن و مرد* را مطرح کرد. پیامدهای مهم موج اول: ۱- حق رأی زنان؛ ۲- شناساندن خویشتن زن به خودش و ۳- ارتقای آگاهی و وحدت زنان بود (سعید بهشتی، ۱۳۸۵: ۵۰).

ب) موج دوم فمینیسم

موج دوم فمینیسم به دنبال تغییرات اجتماعی و آموزشی

سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۵۰ ایجاد شد. در این دوره که گنز^۱ آن را انقلاب برابری نامیده است، اعتراض‌ها علاوه بر عدم تساوی زنان در قلمرو حقوق سیاسی، عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی را نیز دربرگرفت. مهم‌ترین اثر فمینیستی در این دوران، کتاب جنس دوم اثر سیمون دوبوار در سال ۱۹۴۹ بود. در این دوران، آموزش و پرورش زنان در سراسر اروپا و آمریکا؛ به ویژه از دهه ۱۹۴۰ به طور گسترده‌ای رشد یافت. زنان به طور شایسته‌ای مشاغل متعددی را که در گذشته در انحصار مردان بود، به دست آوردند. اقداماتی همچون: پرداخت دستمزد تقریباً مساوی به زنان و حقوق مدنی برابر، گستردگی امکانات، کنترل زاد و ولد و ... که به آزادی انتخاب زنان در عرصه‌های عمومی و خصوصی زندگی افزود. فمینیست‌های این دوره خواهان برابری کامل زن و مرد در تمامی زمینه‌ها، از جمله: آموزش، سیاست و نظایر آن بودند و مدعی بودند که هدف زنان نباید این باشد که مثل مردان شوند، بلکه آنان باید با ایجاد حقوق و اسطوره شناسی نوین، زنان را هدف قرار دهند. در دهه هفتاد فمینیست‌ها با ردّ کلیت ازدواج و تأکید بر مجرد و حرفه اقتصادی، شاغل بودن زن در خارج خانه را از جمله مهم‌ترین آرمان‌های خود مطرح کردند. شعار «زنان بدون مردان، با رفتارهای مردانه» مربوط به همین دوره است (لچست، ۱۳۷۹: ۲۴۱-۲۴۲).

بدین ترتیب، موج دوم که از دهه ۶۰ آغاز شده بود تا اوایل دهه ۸۰ ادامه یافت و در این سال‌ها از مسیر خود به انحراف کشانده شد و از جمله عوارض آن کاهش ازدواج و زاد و ولد و افزایش آمار طلاق و تضعیف نظام خانواده بود.

ج) موج سوم فمینیسم

از اوایل دهه ۹۰ جهان غرب به نقش‌های سنتی و نهاد خانواده رویکردی دوباره داشته است و سازمان ملل متحد سال ۱۹۹۴ را سال خانواده اعلام کرد (بهشتی، ۱۳۸۵: ۵۲).

¹ Ganz

این جنبش به شدت تحت تأثیر مارکسیسم و در عین حال، منتقد آن است. از نظر فمینیست‌های رادیکال، زنان تحت ظلم و ستم قرار دارند و وضعیت نامطلوب زنان، محصول نظام مقتدر و جهان شمولی موسوم به نظام مردسالاری است که در آن، زنان تحت سلطه مردان قرار دارند. هدف کلی فمینیسم رادیکال شکست نظام مردسالار است و راه حل را در محور آن و تثبیت وضعیت دو جنسیتی دانستند. جامعه دو جنسیتی آمریکا که جامعه آرمانی رادیکال‌های اولیه است، جامعه‌ای است که افراد آن به گونه‌ای، خصوصیات زنانه و مردانه را به صورت به هم آمیخته با هم دارند که هیچ گونه تفکیک نقش یا تمایز رفتاری ناشی از جنسیت در آن مشاهده نمی‌شود. فمینیست‌های ذات‌گرا، آرمان دو جنسیتی را به دلایلی، از قبیل: ایستایی، فقدان کارایی سیاسی و ابهام رد کردند و در عوض، جامعه آرمانی را جامعه‌ای با خصوصیات اصیل و حقیقی زنانه دانستند. این گروه قایل به برتری زنان و خصوصیات زنانه بودند و یکی از مهم‌ترین شعارهایشان، آینده مؤنث است و برای رسیدن به این هدف راهکارهایی را پیشنهاد می‌دهند؛ از جمله: افزایش آگاهی، جدایی طلبی، خواهری، لژیونسم (همجنس‌گرایی زنان)" (رودگر، ۱۳۸۸: ۸۲-۸۵).

چالش‌های فرهنگی - اجتماعی فمینیسم

جنبش فمینیسم در حوزه فرهنگی^۵ اجتماعی، عامل چالش‌های بسیار زیادی بوده، این امر در حوزه خانواده چشمگیرتر است. برخی از این چالش‌ها عبارتند از:

الف) انکار مادری: فمینیسم با تکیه بر اعتقادات دوبروار، به انکار کلیه ساختارهای سنتی خانوادگی و اجتماعی در خصوص زنان پرداخت و علاوه بر این، خصوصیات بیولوژیک زنان را نیز انکار کرد و حتی غریزه مادری را نتیجه تربیت سنت‌های پدرسالارانه دانست و دوبروار اصرار داشت اثبات کند که غریزه مادری وجود ندارد (رودگر، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

در موج سوم بحثی توسط جین بتکه الشتن مطرح شد که به «احیای مادری» مشهور است. او به دفاع از زندگی خصوصی و خانواده فرزندمحور می‌پردازد و مادر بودن را فعالیتی پیچیده، پر زحمت و شادی آفرین می‌داند که زیستی، طبیعی، اجتماعی، نمادین و عاطفی است (بستان، ۱۳۸۳: ۸۰). در این موج که تا امروز ادامه دارد، نگرش‌های موج دوم تعدیل شد و تعدد و انشعاب در نگرش‌های فمینیستی رخ داد؛ اما آثار موج دوم همچنان تأثیر خود را در بسیاری از جاها حفظ کرده است (بهشتی، ۱۳۸۵: ۵۲)؛ از جمله این آثار، تأثیر فمینیسم رادیکال بر نهاد خانواده است که در این جا به بررسی آن می‌پردازیم.

فمینیسم رادیکال

فمینیست‌های رادیکال خانواده را صحنه‌ای نابرابر می‌دانند که در آن زنان به انقیاد و بند کشیده می‌شوند (رودگر، ۱۳۸۸: ۸۵) و این کار توسط دو ساختار در خانواده انجام می‌شود:

- ۱- جایگاه زن در نقش همسر و مادر؛
 - ۲- روند تربیتی خانواده که رفتارهای زنانه و مردانه را در فرزندان نهادینه می‌کند و فرودستی زنان را تداوم می‌بخشد.
- این جنبش، زنان را در موقعیتی قرار داد که دیگر میل و رغبتی برای مادر شدن و مادری کردن نداشتند. آنها درگیر مسائلی جذاب‌تر از بارداری، زایمان، شیردهی و تربیت فرزند شده بودند که نتایج زودبازده‌تری به همراه داشت. موقعیت اجتماعی، درآمد منظم و تضمین شده، سرگرمی‌های لذت‌بخش خارج از منزل و ارضای خواسته‌های تن و روح، از جمله عوامل مشوق زنان در خودداری از مادری بود. هدف اولیه مبارزه آنان، تنزل جایگاه زنان خانه‌دار در خانواده و اجتماع و سوق دادن آنها به سوی بازار کار بوده است (منصورزاد، ۱۳۸۱: ۲۴۷-۲۴۸).

این گرایش بیشتر تحت تأثیر حال و هوای انقلابی و رادیکال دهه شصت قرن بیستم در آمریکا و از درون جنبش‌های دانشجویی، چپ نو، حقوق مدنی و... جوشید.

سختی دیگر، القای فرهنگ تجرد است تا سودجویان مسیر دیگری را برای حفظ منافع و افزودن سرمایه‌های خود داشته باشند. افزایش میکده‌ها و خانه‌های مجردی نشان دهنده همین تفکر است. گرایش به تأخیر ازدواج به همراه رشد میزان شرکت در دانشگاه‌ها و رشد طلاق بیانگر آن بود که تعداد رو به رشدی از بزرگسالان، دوره‌های ممتدی از زندگی بلوغ جنسی خود را بیرون از ازدواج می‌گذرانند (حسینی مجرد، ۱۳۹۱: ۱۲۲۶).

ر) سقط جنین: انقلاب جنسی برای موفقیت خود نیاز به قُبُح‌زدایی از سقط جنین داشت؛ زیرا با این کار وابستگی به کودک را کاهش می‌داد که باعث تحکیم پیام فمینیسم بود (حسینی مجرد، ۱۳۹۱: ۱۲۲۷).

ز) فحشا - قاچاق زنان: هم‌اکنون تجارت دختران و زنان جوان، توسط باندهای قاچاق انسان از نقاط مختلف جهان به اروپا و دیگر مناطق جهان، ابعاد بسیار گسترده‌ای پیدا کرده است و این تجارت تا به امروز هیچ‌گاه این‌گونه پول‌ساز نبوده است. زن در غرب به کالایی برای تجارت تبدیل شده است، وسیله تجارت در رسانه و مطبوعات، رقص‌خانه‌ها، شرکت‌های سکس، مصرف‌کننده لوازم آرایش و وسایل لوکس زندگی و به طور خلاصه، وسیله‌ای شده برای کسب ثروت و شهرت است (اشتری، ۱۳۸۵: ۳۲).

خانواده از منظر اسلام

از نظر اسلام خانواده و سلامت آن، تأثیر زیادی در پیشرفت جامعه داشته، در اداره کشور و انسانیت منشأ خیراتی عظیم است. قرآن کریم به عنوان برترین نسخه زندگی و عالی‌ترین راهنمای بشر برای دستیابی به حیات طیبه، بخش عظیمی از آیات را به تنظیم و تعدیل روابط اعضای خانواده، حقوق و وظایف همسران و فرزندان اختصاص داده و در نگاهی کلی تمامی احکام و دستورات اسلام به نوعی ناظر بر صیانت از خانواده است. بخشی از آن برای تزکیه و تطهیر فرد و بخشی پیرامون اصلاح جامعه و حفظ سلامت آن وضع شده است. در

ب) خانواده تهی از مردانگی: مردانگی که با فرهنگ فمینیسم تربیت شدند، دشمنان بسیار خطرناکی برای زنان جویای همسری و مادری به شمار می‌آمدند؛ زیرا مردان زن صفتی بودند که مایل به ازدواج و داشتن فرزند نبودند و بدون هیچ توجیهی از زیر بار مسئولیت ازدواج و تشکیل خانواده شانه خالی می‌کردند (حسینی مجرد، ۱۳۹۱: ۱۲۲۳).

ج) تغییرات ساختاری در نهاد خانواده: امروزه در غرب ایدئولوژی آزادی فردی یا قاعده اخلاقی خوش‌باش که بسیار تهی از ارزش است، بر مفهوم احساس وظیفه در برابر همسر، خانواده، فرزندان و جامعه غالب شده است. آزادی جنسی سبب شده تا بنیان خانواده سست شود و زنان پشتیبانی مالی مردان در تأمین هزینه‌های خانوار را از دست بدهند. از نظر غرب، خانواده نهادی ناموفق و کودکان قربانیان آن هستند. آنها مدارس دولتی را به جای نهاد خانواده و مددکاران اجتماعی را جایگزین والدین می‌دانند. بر پایه این مبنای فکری، ارزش‌های اخلاقی در غرب دگرگون شده است و فضایل انسانی، مثل: پاکدامنی، سخاوت، حیا، مهرورزی و... زیر سؤال برده می‌شود؛ مثلاً پاکدامنی را بازداشتن بی‌جهت از خواهش‌های نفسانی و لذات طبیعی می‌دانند و یا حیا را مانع مطالبه حقوق انسان قلمداد می‌کنند؛ در حالی که در سایه کسب همین فضایل است که بشر می‌تواند به سعادت نائل شود (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

د) افزایش طلاق: افزایش روزافزون طلاق، نتیجه قهری تغییرات اجتماعی؛ به خصوص سیطره فمینیسم بر جامعه زنان بوده است. (حسینی مجرد، ۱۳۹۱: ۱۲۲۶). در دهه ۱۹۹۰ ازدواج و طلاق به لحاظ حقوقی به صورت قراردادی مطرح شد که از خرید و فروش خودرو نیز آسانتر بود. این تبلیغات مخرب و تحریکات اجتماعی تأثیرات ویرانگر خود را به سرعت بر اروپا و آمریکا گذاشت؛ به طوری که میزان فروپاشی خانواده و طلاق را به وضع اسفباری رساند.

ه) افزایش سن ازدواج: تجرد قطعی: تحقیر و تمسخر ازدواج و مساوی دانستن آن با نوعی برده‌داری و تعبیرهای

مرد، مکمل و متمم حقوق دانسته، مدعی هستند که بدون تأمین آزادی زن و تساوی حقوق او با مرد، سخن از آزادی و حقوق بشر بی‌معناست. آنها همه مشکلات خانوادگی را ناشی از عدم آزادی زن و عدم تساوی حقوق او با مرد می‌دانند و این در حالی است که اسلام احیا کننده حقوق زن است و گام‌های بلندی در این راستا برداشته است، ولی هرگز به نام احیای زن به عنوان انسان و شریک مرد در انسانیت و حقوق انسانی، زن بودن زن و مرد بودن مرد را به فراموشی نسپرده است. چون اسلام به فطرت و طبیعت زن توجه داشته، هماهنگی کامل میان دستورهای آن وجود دارد. اسلام برای زنان و مردان در برخی حقوق، وظایف، مجازات‌ها و تفاوت‌هایی را قایل شده است که از نظر فمینیسم علت این امر نگاه تحقیرآمیزی است که در این دین نسبت به زن وجود دارد (بهشتی، ۱۳۸۵: ۷۳) شهید مطهری در جواب می‌نویسد: "اصلی که در این استدلال به کار رفته، این است که لازمه برابری زن و مرد، حیثیت و شرافت انسانی، یکسانی، یکنواختی و تشابه آنها در حقوق است" (مطهری، ۱۳۷۵: ص ۱۱۱).

تمهیدات اسلام برای استحکام خانواده

اسلام برای ایجاد استحکام و تقویت بنیان خانواده و در رأس آن، حمایت از زن به عنوان زیربنای اساسی آن تمهیداتی ارائه نموده است که در ظاهر شاید با این هدف مغایرت داشته باشد؛ ولی در اصل همه در جهت حمایت از زن است. بعضی از این راهکارها عبارتند از:

الف) ریاست مرد بر خانواده و حضانت او: در اسلام مسأله ریاست مرد بر خانواده و حضانت پدر اهمیت بسیاری دارد و عدم نظارت پدر و حفظ نکردن جایگاه پدر موجب می‌شود که تمام بارها بر دوش زن باشد و در این میان، مادر و فرزندان آسیب‌های جبران‌ناپذیری را متحمل می‌شوند؛ اتفاقی که هم اکنون غرب با آن دست به گریبان است و از عوارض جنبش فمینیسم است (روح‌افزا، ۱۳۹۱: ۱۲۴۱).

نظام ارزشی اسلام، برقراری رابطه محبت‌آمیز بین مسلمانان پیوسته مورد تأکید قرار گرفته است. این توصیه‌ها در خانواده و نسبت به نزدیکان شکل مؤکدتری به خود گرفته تا علاوه بر پیوند، رشته محبت زن و شوهر با یکدیگر، زیر بنای استحکام خانواده قرار گیرد. علاوه بر رابطه عاطفی زوجین، ارتباط عاطفی والدین و فرزندان با یکدیگر نیز مورد توجه است؛ به گونه‌ای که بوسیدن فرزند توسط پدر و مادر باعث افزایش درجات آنها در بهشت می‌شود و از سوی دیگر، نگاه محبت‌آمیز فرزند به پدر و مادر را عبادت می‌داند (حرعاملی، ۱۳۴۷، ج ۲۱: ۴۸۵).

در فرهنگ اسلام خانواده کانون مهر، امنیت و ایمان است و سایه گسترده خانواده، اعضای آن را در مقابل ناملایمات روزگار مصون می‌دارد و نیازهای عاطفی و روانی آن را تأمین می‌نماید. قرآن، خانواده را یک مجموعه متعالی برای تأمین اهدافی مقدس می‌داند که برای رساندن او به آن اهداف برنامه‌ریزی و حقوق و وظایف افراد را تعیین می‌کند. آیات زیر نمونه‌ای از این گونه است:

سوره روم آیه ۲۱: "و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون" که این آیه زن را مایه آرامش مرد معرفی می‌کند.

سوره احقاف آیه ۱۵: "و وصینا الانسان بوالدیه احساناً، حملته امه کرهأ و وضعته کرهأ و حملة و فصاله ثلاثون شهراً و....." که در این آیه رابطه سه نسل را با یکدیگر بیان می‌کند و در ابتدا انسان را به احسان به والدین سفارش می‌کند و رنج مادر در زمان حمل، زایمان زنان و شیردادن را یادآور می‌شود.

نقد دیدگاه‌های فمینیسم از منظر اسلام

از محوری‌ترین آرمان‌های فمینیسم، اصل برابری کامل و یکنواخت، به دور از هرگونه تفاوت بین حقوق زنان و مردان است. پیشگامان این نهضت، آزادی زن، تساوی حقوق او را با

در امر به معاشرت به معروف، ظهور ندارد و اگر بگوییم انفاق نکنید؛ مگر بعد از این که تمکین کند، از دلالت شرط به دور است (فروع پارسا، ۱۳۸۱: ۷۴-۷۵).

این مسأله باعث می شود که از زن در جامعه استفاده جنسیتی و ابزاری نشود و فرزندان تحت تربیت والدین قرار گیرند و در این نظام، زن زیر چتر حمایتی همسرش قرار دارد و با خیال آسوده به وظایف مادری و همسری اش رسیدگی می کند.

د) برخورد قاطع با افراد زناکار: در اسلام با زنا و روابط نامشروع برخورد بسیار قاطع و حدّ سختی جاری می شود و این مسأله در مورد زنانی محصنه به اوج خود می رسد؛ زیرا نتایج این روابط در جامعه که شامل: معلوم نبودن پدران، سردرگمی و بی پناهی فرزندان، افسردگی و مشکلات عدیده زنان و بسیار مخرب است (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۸۶-۱۰۵).

ه) حجاب و پوشش زنان: فلسفه حجاب، صیانت روحی و معنوی جامعه است. بدن زن به طور طبیعی برای جنس مخالف جاذبه دارد. حال اگر علاوه بر زیبایی های طبیعی، زن به آراستن خود پردازد و اندام آراسته خود را در معرض دید عام قرار دهد، طبیعی است که از بسیاری سلب آرامش نموده، موجب تحریک جنسی می شود. در این میان، برخی وادار به فساد می شوند، از برخی سلب آرامش روحی شده و در مواردی موجب گسستن پیوند خانواده و سست شدن رشته الفت بین زوجها و مفاسد دیگر می شود که در واقع، ضرر آن متوجه خود زن می شود و اوست که تکیه گاه مطمئن خود را از دست می دهد. مراعات درست حجاب از امور ضروری در پیشگیری از این مفاسد است و به طور چشمگیری مصونیت فردی و اجتماعی به وجود می آورد. در قرآن و روایات نیز بر این موضوع تأکید بسیاری شده است؛ از جمله: «یا ایها النبی قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ، ذلک أدنی أن یرفرنّ فلا یوذین»: ای پیغمبر، به همسران و دختران و نیز به زنان مؤمنین بگو روپوش هایشان

در آیه ۳۴ سوره نساء به این موضوع اشاره شده است: "الرجال قوامون علی النساء بما فضلّ الله بعضهم علی بعض و بما أنفقوا من أموالهم و... مردان سرپرست و نگهبانان زنانند، به خاطر برتری هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق هایی که از اموالشان می کنند و...." (نساء: ۳۴)

ب) تمکین زن: اسلام برای ایجاد استحکام در خانواده تأکید بسیاری بر طهارت محیط دارد و برای ایجاد این طهارت و پاکی در محیط، ابتدا غریزه جنسی را در کانون خانواده قرار می دهد و زن و مرد را مایه آرامش و سکونت یکدیگر معرفی می کند؛ زیرا وقتی این غریزه به جامعه آورده نشد و زن و مرد، تسکین و ارضای این نیاز را فقط در محیط خانه دیدند امنیت در جامعه برقرار خواهد شد. از این روست که یکی از بزرگترین حقوق مرد را تمکین همسرش قرار می دهد و زن را به انجام آن امر می کند (سلطان محمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۰۷ و ۱۱۲۲).

پیامبر گرامی اسلام در این زمینه می فرماید: «انّ من شرّ نسائکم و اذا خلا بها بقلها تمنّعت منه تمنّع الصعبه عند رکوبها»: از جمله زنان بد، زنی است که چون شوهرش با او خلوت کند، شوهرش را مانع شود و مانند شتر چموش بد رکابی کند (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳: ۲۳۵).

ج) نفقه: نفقه که در اسلام به آن پرداخته شده، از دیگر تدبیرهای اسلام برای تثبیت و تحکیم خانواده است که مورد انتقاد بسیار زیاد جوامع غربی و حامیان فمینیسم است و زن را از این که به اصطلاح نانخور مرد باشد، بر حذر داشته، آن را مایه ذلت زن می دانند، درحالی که اسلام مرد را مسؤول تأمین مایحتاج زن و فرزند قرار داده (روح افزا، ۱۳۹۱: ۱۲۴۲) و پیامبر مکرم اسلام در این زمینه می فرماید: "واتقوا الله فی النساء فانهنّ عواری عندکم اتخذتموهنّ بأمانه الله واستحللتنّ فروجهنّ بکلمه الله و لهنّ علیکم رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف" (بیهقی، ۱۹۷۵، ۷: ۳۰۴).

پیامبر(ص) خوراک و پوشاک زوجات را بر شوهرانشان واجب کرده است و چنان که ملاحظه می گردد، شرط تمکین

را به خودشان بیچند. این مناسبتر است که آنان را بشناسند و آزارشان نکنند" (احزاب: ۵۹).

همچنین، قرآن بنیانگذار پدیده برهنگی را شیطان می‌داند و او را نخستین کسی می‌داند که باعث برهنگی شد (سوره اعراف، ۲۶).

ر) امر به معروف و نهی از منکر: اسلام برای حفظ ارزش‌ها در جامعه و جلوگیری از تخلف عده‌ای معدود، امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان وظیفه‌ای برای همه مسلمان قرار داده تا اگر در جایی با منکری مواجه شدند، مانع آن شوند و به این وسیله جامعه را از آسیب‌های مختلف محافظت کنند.

ز) کنترل نگاه: مسأله نگاه از اساسی‌ترین مسائل در تنظیم روابط پاک و سالم میان زنان و مردان است و قرآن کریم قبل از هر چیز ابتدا به مردان، دستور کنترل نگاه می‌دهد: «قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک أزکی لهم إن الله خبیرٌ بما یصفون»: بر مردان با ایمان بگو دیده از نامحرمان فرونهند و پاکدامنی خود را حفظ کنند که این برای آنها پاکیزه‌تر است؛ همانا خدا به آنچه می‌کنند، آگاه است" (سوره نور، ۳۰). بنابراین، طبق این آیه فرونهادن نگاه واجب است. برخی از مفسران بر این عقیده‌اند که مقصود از آیه شریفه برگرفتن نگاه از دامان و عورت دیگران است؛ چرا که در ادامه آیه امر به پوشاندن عورت از نگاه دیگران شده است. به بیان ایشان، آنجا که مقابله میان «یغضوا و یحفظوا» است نشان می‌دهد که مراد از حفظ عورت، ستر و پوشش آن از نظر است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۱۱۲). امام صادق نیز

تعبیر بسیار لطیفی در این زمینه دارند که می‌فرمایند: "عفوا عن نساءالناس تعف عن نسائکم: چشم پوشی کنید از زنان مردم، تا مردم از زنانتان چشم ببوشند" (شیخ صدوق، ۱۳۷۰، ج ۶: ۲۸۸).

س) حیا: در اسلام به مسأله حیا بسیار توجه شده و حیا از شرم کاملاً تفکیک شده است. حیا حالتی است که قبل از انجام عمل خود را نشان می‌دهد. از دید علمای اخلاق، حیا محدودیت و در تنگنا افتادن نفس در ارتکاب محرمات شرعی و عقلی و عرفی، از ترس نکوهش و سرزنش است. دانشمندان غربی مثل مونتسکیو، شرم را حجب و خجالتی می‌دانند که شخص از نقص و عدم کمال خود دارد و ویل دورانت، شرم‌رویی را نوعی عقب‌نشینی مدبرانه می‌داند که از ترس و پاکی می‌زاید و با لطف و زرنگی گسترش می‌یابد. حیا از دید امام صادق(ع) نوری است که جوهر آن ایمان است و یک حالت بازدارندگی و خویش‌تنداری در برابر هر چیزی که با توحید و معرفت ناسازگاری داشته باشد، در انسان ایجاد می‌کند (بانکی‌پورفرد، ۱۳۸۴: ۹-۱۲).

از جمله جلوه‌های حیا در جامعه عفت و پاکدامنی، حیا در گفتار و حیای شنیداری است که رعایت آن می‌تواند راه حل بسیاری از معضلات و چالش‌های اجتماعی در دنیای کنونی باشد.

مطالب بیان شده در بالا و برخی دیگر از دیدگاه‌ها به صورت جدول (۱) ارائه و در آن دیدگاه‌های اسلامی و فمینیستی مقایسه شده است.

جدول ۱- مقایسه دیدگاه‌های فمینیسم رادیکال و اسلام در مورد خانواده و نقش زن در آن

دیدگاه‌های اسلام و آثار آن	فمینیسم رادیکال و آثار آن
خانواده کانون مهر و مودت (موده و رحمه) زن و مرد مکمل یکدیگر خانواده اساس زندگی و مایه آرامش (لتسکنوا إلیها) تکریم مادری (بهشت زیر پای مادر) تشویق به عدم تأخیر در ازدواج (با تشکیل خانواده نیمی از دین محافظت می‌شود) نهی شدید مجرد زیستن طلاق مبعوض‌ترین حلال سفارش به تمکین زن؛ عاملی برای از بین بردن و کاهش بی‌بند و باری (زیرا وقتی نیازها در محیط خانه تأمین شد، در بیرون از خانه به دنبال آن نمی‌روند) و کنترل نگاه برای آسوده نگه داشتن دل قرار دادن حق نفقه برای زن تا بدون دلواپسی مالی به تربیت فرزندان بپردازد. تکلیف ریاست مرد بر خانواده تا امور خانواده را مدیریت کند و دست بیگانگان را از حریم خانواده دور کند- تأکید مکرر بر ادای حقوق فرزند توسط والدین دستور حجاب و حیا برای کاهش جاذبه زن برای مصون نگه داشتن زن از دست درازی مردان هرزه حرام بودن زنا قایل بودن حق حیات برای جنین و حرام دانستن سقط جنین مگر در موارد خاص حرام دانستن لواط و ممنوع بودن ازدواج همجنس	خانواده مکانی برای انقیاد زنان خانواده میدانی نابرابر تبلیغ برای فروپاشی خانواده انکار مادری بالارفتن سن ازدواج افزایش تمایل به تجرد و زندگی مجردی بالا رفتن آمار طلاق افزایش بی‌بند و باری و فحشا (ترویج آزادی جنسی برای زن و مرد و نه در کانون خانواده) استقلال مالی زن و مرد از یکدیگر در تأمین هزینه‌های زندگی کودکان بی‌سرپرست ^۵ تربیت کودکان به وسیله مراکز مشخص فرهنگ برهنگی تجارت زنان مجاز بودن سقط جنین اشکال مختلف خانواده (هر دو مرد، هر دو زن، زن و مرد)

اجتماعی دارد. در این میان، بررسی میزان نفوذ تفکر فمینیستی و ریشه‌یابی آن در جامعه ایرانی؛ مخصوصاً زنان اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در این مقاله سعی شده به بررسی میزان نفوذ این تفکر و تأثیر آن بر زنان در جامعه و مقایسه آن با نفوذ اسلام پردازیم.

روش تحقیق

روش انجام پژوهش در این مقاله به صورت کیفی و ابزار گردآوری مصاحبه ساختار یافته است. گردآوری داده‌ها در پژوهش کیفی به شیوه‌های گوناگونی انجام می‌گیرد و پژوهشگر با توجه به مسأله پژوهش و راهبردی که برای اجرای پژوهش انتخاب کرده است، از روش‌های گوناگونی، مانند: مصاحبه، مشاهده، بررسی اسناد و پیشینه‌ها برای گردآوری داده‌های مورد نیاز استفاده می‌کند. بهترین رویکرد گردآوری داده‌ها در مورد پژوهش، رویکردی است که

با توجه به مطالب فوق و با نگاهی موشکافانه و منصفانه به متون دینی به این باور می‌رسیم که نه تنها فمینیسم با مفاهیم و آموزه‌های دینی منطبق نیست، بلکه تعارض میان اسلام و گرایش‌های فمینیستی به قدری ریشه‌ای و عمیق است که سازش و مصالحه میان آن دو به معنای قربانی کردن یکی به سود دیگری است.

ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی متأثر از تغییر و تحولات ناگهانی و چالش‌ها و بحران‌هایی است که فرایند توسعه و پیشرفت آن را به مخاطره انداخته است. چالش‌های مربوط به گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن در قبل از انقلاب اسلامی و همچنین، تطبیق شرایط از دوران مدرن به نظام مبتنی بر ارزش‌های دینی در پس از انقلاب، بیشترین سطح تحول و دگرگونی را در میان زنان ایجاد نموده است. لذا درک این شرایط و ضرورت شناخت چالش‌های موجود، تأثیر بسزایی در جلوگیری از وقوع بسیاری از نابسامانی‌های

تفکر مورد توجه قرار گرفته و سعی در تلفیق این دو مطلب شده است؛ ولی چیزی که در اسلام وجود دارد، چیزی غیر از این است و تفکر اسلامی سعی در برقراری برابری بین این دو جنس دارد. با توجه به مصاحبه‌های انجام شده ۷۰ درصد از زنان قایل به مظلوم بودن و توسری خور بودن زن و ۳۰ درصد از زنان به رد این مطلب می‌پردازند.

زن موظف به سرویس دهی

۶۵ درصد از زنان معتقد بودند که تمامی اعضای خانواده از آنها انتظار دارند به آنها سرویس دهند و نیازهای آنها را حتی به قیمت زیر پا گذاشتن حقوق خودشان بر آورده کنند و ۳۵ درصد معتقد بودند زنان موظف به انجام هر کاری نیستند، بلکه تنها موظفند وظایفی را که اسلام برای آنها واجب کرده است، انجام دهند و مابقی را اگر تمایل داشته باشند (برای کمک به خانواده) انجام دهند.

اشتغال زن

۵۰ درصد از زنان معتقد بودند که مردان با اشتغال آنها مشکلی نداشته، حتی از آن استقبال می‌کنند و آن را عاملی برای رشد اجتماعی و اقتصادی خانواده می‌دانند؛ ولی آن را تا جایی مفید می‌دانند که به کانون خانواده آسیب نرساند. ۵۰ درصد از زنان معتقد بودند که مردان برای این که زنان را از نظر اقتصادی به خود وابسته نگه دارند، بر سر راه اشتغال آنها مانع تراشی می‌کنند.

پذیرش آقای کردن مرد از جانب زن

۶۵ درصد از زنان مورد تحقیق معتقد بودند که اگر آقای به معنای مدیریت همراه با همدلی (مد نظر اسلام) باشد، ایراد ندارد، ولی اگر قلدرمآبانه باشد، زن نباید قبول کند؛ ولی ۳۵ درصد از زنان معتقد بودند که زن مجبور به قبول کردن آقای مرد است.

رشد زن

۵۰ درصد از زنان معتقد بودند که رشد زن در زمینه‌های

داده‌های حاصل از آن در پاسخگویی به پرسش پژوهش و تحقق اهداف مطالعه بهترین کارکرد را داشته باشد. با توجه به این امر، مصاحبه بهترین رویکرد انتخابی پژوهش حاضر است. پژوهشگر از میان انواع مصاحبه، از مصاحبه ساخت یافته استفاده کرده است.

هدف پژوهشگر در استفاده از روش کیفی تدوین نظریه نیست و به همین علت، از راهکار مقوله‌بندی استفاده می‌کند. "مقوله‌بندی به خلاصه کردن مفاهیم عام و آشکار کردن روابط میان مفاهیم اطلاق می‌شود" (فلیک، ۱۳۸۷: ۳۳۰)

در این پژوهش، با روش نمونه‌گیری در دسترس با ۲۰ نفر زن و دختر در محدوده سنی ۱۸ تا ۷۰ سال شهر اصفهان مصاحبه شد که از نظر تحصیلات، از تحصیلات ابتدایی تا فوق لیسانس بودند. با مشخص کردن دقیق طرح تحقیق و محدود کردن جامعه مورد تحقیق سعی کردیم روایی را در تحقیق حاضر بالا ببریم.

یافته‌های تحقیق

در این تحقیق، هدف از انجام کار بررسی برخی ریشه‌های تفکر فمینیستی (به ویژه رادیکال) در زندگی زن ایرانی بود و این که جامعه ایرانی با بن‌مایه‌های تفکر اسلامی تا چه اندازه از این جریان تأثیر گرفته است و تا چه اندازه آن را در زندگی اجرایی کرده است. برای این کار، سؤال‌هایی طراحی شد (مصاحبه ساختار یافته) و پس از انجام مصاحبه با افراد مختلف، مفاهیم صحبت‌های آنها به صورت کدهای اولیه استخراج و پس از جمع‌بندی مفاهیم در قالب کدهای متمرکز در جداول بیان شد. به برخی از مفاهیم استخراج شده در زیر اشاره می‌شود:

مظلومیت زن

مظلومیت زن مضمونی است که فمینیسم رادیکال سعی در القای آن دارد؛ یعنی زن را به صرف زن بودن و انجام وظایف مادری و همسری، مظلوم و مورد ستم می‌داند و با ترویج این اندیشه سعی بر حذف این نقش اساسی دارد. البته، در جامعه ایرانی به علت ریشه‌دار بودن اندیشه‌های مردسالاری، این

دلیلی برای تبعیض وجود ندارد، ولی ۶۰ درصد هم معتقد بودند خداوند زن و مرد را با خصوصیات و ویژگی‌های متفاوت آفریده؛ پس داشتن انتظارات یکسان از هر دو باعث ظلم به آنها می‌شود و وجود تبعیض در بعضی موارد ضروری است.

حجاب و حیا

از جمله پیامدهای فمینیسم، فرهنگ برهنگی است. وقتی از زنان در خصوص حجاب و حیا که لازمه حضور اجتماعی زنان در اسلام است، سؤال نمودیم؛ غالباً داشتن حجاب را در حدی که در اسلام بیان شده، لازم می‌دیدند؛ اما متأسفانه خود آنها این حدود را رعایت نمی‌کردند. نمی‌توانیم صرفاً بگوییم از حدود مطرح شده در اسلام اطلاعی ندارند، چون به محض اینکه داشتن حجاب را عنوان می‌کردند، شروع می‌کردند به مرتب کردن روسری‌های خود و این نشان از غفلت و بی‌توجهی به دین و یا فراموش کردن مسؤلیت‌ها دارد. ۶۵ درصد کسانی که با آنها مصاحبه شد، چادری بودند؛ اما تنها چند مورد در حدود ۳۰ درصد حجاب را در حد و حدود اسلامی آن رعایت کرده بودند و حدود ۶۰ درصد مصاحبه‌شوندگان حتی با وجود داشتن چادر، آرایش داشتند و داشتن آرایش را منافی با حجاب اسلامی نمی‌دانستند و متأسفانه حدود ۹ درصد از این زنان با وجود اعتقاد به دین اسلام هیچ اعتقادی به حجاب نداشتند.

عدم جایگاه رفیع اصول اسلامی در جامعه

۱۰۰ درصد زنان مورد تحقیق معتقد بودند که اصول اسلامی در جامعه درست محقق نشده و اسلامی که مردم می‌شناسند، همراه با بسیاری از تفکرات سنتی و خرافی است که به اسم اسلام به کار گرفته و تأکید می‌شود و این دقیقاً مصداق آن سخن ائمه است که می‌گویند وقتی حضرت مهدی ظهور کنند، مردم می‌گویند دین تازه‌ای آورده‌اند. در واقع، نسل جوان اسلام را به درستی نمی‌شناسد و تهاجم فرهنگی هم به عدم شناخت، دامن‌زده و اسلامی خشن، ضد زن و ... را ارائه کرده که باعث کاهش تمایل نسل جوان به مبانی آن شده است.

مختلف در صورتی که با مصالح خانواده تناقض داشته باشد درست نیست و مصالح خانواده در درجه اول قرار دارد؛ ولی ۴۰ درصد از زنان این امر را درست نمی‌دانستند و می‌گفتند زن در هر شرایطی باید رشد خود را در اولویت قرار دهد (تفکر فمینیستی) و در کنار این نظرها، نظر معتدل‌تری وجود داشت که در حدود ۱۰ درصد از افراد مورد تحقیق به آن اعتقاد داشتند و آن انجام دورکاری و کارهای خانگی است.

ازدواج

۶۵ درصد از زنان تأخیر در ازدواج را به صلاح ندانسته، معتقد بودند در دین ما به ازدواج سفارش بسیار زیادی شده و تأخیر انداختن آن بسیار کراهت دارد و در عمل نیز ازدواج و رشد، منافاتی با هم ندارند و با برنامه‌ریزی صحیح می‌توان به رشد مناسب در هر دو زمینه دست یافت؛ ولی ۳۵ درصد از زنان معتقد بودند که برای رسیدن به یک شرایط مطلوب اجتماعی^۵ اقتصادی می‌توان ازدواج را به تأخیر انداخت و یا از آن صرف‌نظر کرد.

ریاست مرد بر خانواده

ریاست مرد بر خانواده که در اسلام عنوان شده و به عنوان حقی برای مرد گفته شده، در واقع، چتری حمایتی برای زن است تا در پرتو آن به وظیفه اصلی خود که تربیت فرزند است، بپردازد و با احساس داشتن حامی قدرتمند خود را در هر شرایطی قرار ندهد و زمینه سوء استفاده از او فراهم نشود. ۴۵ درصد از زنان به این امر معتقد بودند و می‌گفتند اگر ریاست به معنای صحیح؛ آن طور که اسلام گفته باشد؛ یعنی مدیریت و نه دیکتاتوری، خود باعث حمایت بیشتر از زن و آرامش خیال او می‌شود؛ ولی ۵۵ درصد از زنان صرف ریاست مرد را عاملی برای دیکتاتوری او می‌دانستند.

تبعیض جنسیتی

۴۰ درصد از زنان معتقد بودند که تبعیض جنسیتی تحت هر شرایطی باید حذف شود، چون در جامعه کنونی زنان قادرند همه کارهایی را که مردان انجام می‌دهند، انجام دهند. پس

جدول ۲- کدگذاری اولیه یا سطح اول

درصد	تعداد	کد اولیه	نمونه‌ای از پاسخ‌های ذکر شده
۷۰٪	۱۴	مادر مظلوم خانواده	واقعاً مظلوم‌ترین فرد خانواده مادر است، زیرا کوتاه‌تر از دیوار مادر پیدا نمی‌شود و هر کاری که انجام می‌دهد، همه فکر می‌کند وظیفه اوست و هیچ کس قدرش را نمی‌داند.
۳۰٪	۶	مادر محبوب خانواده	مادر به دلیل احساسات مادرانه، خواستار فداکاری و تلاش برای خانواده است و از این کار خود هم لذت می‌برد و همین موضوع باعث می‌شود تا محبوب خانواده باشد.
۶۵٪	۱۳	وظیفه سرویس‌دهی مادر در همه زمینه‌ها	خانواده از مادر توقع دارند نیازهای آنها را برآورده سازد؛ به قول معروف می‌گویند: چرا زیر سیلیم را نروفتی و
۳۵٪	۷	مادر وظیفه سرویس‌دهی ندارد.	پایه و اساس توقعات و انتظارات باید بر اساس رعایت حقوق و عشق و محبت باشد و هیچ کس مجاز نیست از مادر یا هر فرد دیگر در خانواده توقع بی‌جا داشته باشد.
۵۰٪	۱۰	مانع‌تراشی مردان بر سر اشتغال زنان	مردان با اشتغال و استقلال مالی زن مخالف هستند تا همواره او را به خود وابسته نگه دارند.
۵۰٪	۱۰	مردان موافق اشتغال زنان	مردان با اشتغال همسرشان در صورتی که با وظایف مادری او تداخل نداشته باشد، مشکلی ندارند؛ زیرا باعث رشد فکری و اجتماعی او می‌شود و از نظر اقتصادی هم به نفع خانواده است.
۴۵٪	۹	درآمد زن مانع استبداد مرد	وقتی زن از نظر اقتصادی مستقل باشد، مرد نمی‌تواند هر ظلمی را به بهانه تأمین هزینه‌ها، به او روا دارد.
۵۵٪	۱۱	استبداد مرد؛ عاملی مهار نشدنی با اشتغال	مردان مستبد و دارای سیستم مردسالاری از اشتغال زنان هم سوء استفاده نموده، امتیازی برای او قایل نمی‌شوند و این استقلال مالی را دستاویزی برای آزار و اذیت بیشتر می‌دانند.
۳۵٪	۷	آقایی مرد، پذیرش زن	اگر زن آقایی مرد را قبول نکند، خودش را بدبخت کرده. در واقع، زن به قول قدیمی‌ها باید سنگ نیم من باشد. زن مجبور است قبول کند؛ یعنی اگر می‌خواهد زندگی کند، باید قبول کند.
۶۵٪	۱۳	آقایی با عشق، نه با زورگویی	اگر آقایی به معنای مدیریت همراه با همدلی (مد نظر اسلام) باشد، ایراد ندارد؛ ولی اگر قلدرمآبانه باشد، زن نباید قبول کند.
۵۰٪	۱۰	حفظ کانون خانواده به بهای نادیده گرفتن رشد زن	از هم پاشیدن خانواده به علت رشد شغلی و یا اقتصادی زن کمال خودخواهی یک زن است، بلکه باید منافع خانواده را در نظر گرفت.
۴۰٪	۸	رشد زن به هر قیمت	زن رکن اساسی خانه است؛ پس باید رشد کند تا خانواده و کودکان هم رشد کنند.
۱۰٪	۲	انجام کار در منزل و در کنار خانواده (دورکاری ° کارهای خانگی)	زن می‌تواند تا زمانی که فرزندان کوچک هستند به فعالیت در منزل و بپردازد و تا زمانی که کودکان به او نیاز دارند، در کنارشان باشد؛ ولی رشد خودش هم متوقف نشود.
۳۵٪	۷	تأخیر در ازدواج برای رشد تحصیلی	از آنجا که هیچ فردی نمی‌تواند با کنار گذاشتن یک مرحله از زندگی در مراحل دیگر کاملاً موفق باشد پس بهتر است هر موردی به جای خودش انجام شود.
۶۵٪	۱۳	ازدواج عاملی برای رشد زن، نه عاملی بازدارنده	در دین ما به ازدواج سفارش بسیار زیادی شده و تأخیر انداختن آن بسیار کراهت دارد و در عمل نیز ازدواج و رشد منافاتی با هم ندارند و با یک برنامه‌ریزی صحیح می‌توان به رشد مناسب در هر دو زمینه دست یافت.
۵۵٪	۱۱	ریاست مرد ظلم به زن	ریاست بیجای مرد باعث ظلم به زن می‌شود؛ یعنی اگر مرد بخواهد بزرگی کند و زن را از حقوق طبیعی او محروم کند، باعث ظلم به زن است که به نظر من منظور اسلام از دادن این حق به مرد، این گونه رفتار کردن مرد نیست.
۴۵٪	۹	ریاست مرد حامی زن	اگر ریاست به معنای صحیح؛ یعنی آن طور که اسلام گفته باشد؛ یعنی مدیریت، نه دیکتاتوری، خود باعث حمایت بیشتر از زن و آرامش خیال او می‌شود.
۴۰٪	۸	حذف تبعیض جنسی	تبعیض جنسیتی باید حذف شود، چون در جامعه کنونی زنان قادرند همه کارهایی را که مردان انجام می‌دهند، انجام دهند. پس دلیلی برای تبعیض وجود ندارد.
۶۰٪	۱۲	اعمال تبعیض جنسیتی به شکل درست و متناسب با ویژگی‌های جنسی	خداوند زن و مرد را با خصوصیات و ویژگی‌های متفاوت آفریده؛ پس داشتن انتظارات یکسان از هر دو باعث ظلم به آنها می‌شود.
۴۵٪	۹	ریاست اشتراکی زن و مرد بر خانواده	مرد هیچ برتری بر زن ندارد؛ پس در زندگی خانوادگی نیز باید با هم ریاست کنند.
۵۵٪	۱۱	ریاست مرد بر خانواده همراه با مشورت با زن	تکلیف ریاست که خداوند بر عهده مرد گذاشته یک حق نیست، بلکه وظیفه‌ای است تا زن در آسایش بتواند به وظیفه اصلی خود که تربیت نسل کارآمد است، برسد و در این راه همسرش، همیار او باشد.
۲۰٪	۴	ازدواج و بچه‌دار شدن مانع پیشرفت زن	ازدواج و بچه‌دار شدن باعث محدود شدن و گیر افتادن زن می‌شود که باعث عدم پیشرفت او می‌شود.
۸۰٪	۱۶	ازدواج کندکننده رشد در یک مقطع و	ازدواج و بچه‌دار شدن قطعاً در مراحل سرعت رشد را کم می‌کند، ولی در مقاطع بعدی

انگیزه و سرعت رشد را افزایش داده، مانع پیشرفت نمی‌شود.	سکوی پرتاب در مرحله بعد	۶	۳۰٪
حجاب برای زن مصونیت است و نه تنها محدودش نمی‌کند، بلکه امنیت برای زن می‌آورد.	حجاب مصونیت است.		
داشتن آرایش یا پوشیدن مانتو یا چادرهای مدل‌دار منافای با حجاب اسلامی نیست و اگه خیلی سخت نگیرند، کسی با حجاب مشکل پیدا نمی‌کند.	حجاب نه چندان سخت	۱۲	۶۰٪
به نظر من دل آدم باید پاک باشه و ظاهر خیلی مهم نیست و اگه زن بخواد درست فعالیت کنه، حجاب دست و پاگیرش می‌شه.	حجاب دست و پاگیر زن	۲	۱۰٪
اصول اسلامی در جامعه درست پیاده نشده و اسلامی که مردم می‌شناسند، همراه با بسیاری از تفکرات سنتی و خرافی است که به اسم اسلام به کار گرفته و بر آن تأکید می‌شود و این دقیقاً مصداق این سخن ائمه است که می‌گویند: وقتی حضرت مهدی ظهور کنند، مردم می‌گویند دین تازه آورده‌اند.	عدم جایگاه رفیع اصول اسلامی در جامعه	۲۰	۱۰۰٪
نسل جوان اسلام را به درستی نمی‌شناسد و تهاجم فرهنگی هم به عدم شناخت دامن زده و اسلامی، خشن، ضد زن و ... را ارائه کرده که باعث کاهش تمایل نسل جوان به مبانی آن شده است.	عدم فرهنگ سازی صحیح و مناسب، عامل عدم استقبال نسل جوان	۲۰	۱۰۰٪

کدگذاری سطح دوم یا متمرکز

مقوله دربرگیرنده تعدادی کدهای مشابه، متداخل و هم

معناسست. در جدول زیر کدهای اولیه جمع‌بندی و در مضامین کلی بیان شده است.

در این قسمت، انبوه داده‌ها (کدها- مفاهیم) به تعداد مشخص و محدودی از مقوله‌های عمده کاهش می‌یابند. از این رو هر

جدول ۳- کدگذاری متمرکز (کدگذاری ثانویه)

مفاهیم (کدگذاری اولیه)	کدگذاری متمرکز	توضیح
۱- اشتغال در کنار حفظ کانون خانواده	استقلال مالی	استقلال مالی زن، موردی است که زنان و دختران جامعه کنونی بسیار طالب آن هستند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. در اسلام نیز مهریه و نفقه و حتی اجرت گرفتن در قبال بعضی کارها از جمله شیر دادن بچه در راستای آن است؛ ولی این مستقل بودن بهتر است در راستای منافع خانواده و تحکیم بنیان آن باشد.
۲- استقلال مالی زن		در شرایط فعلی، تحصیل از جمله اولویت‌های دختران قرار گرفته و حتی حاضرند برای رسیدن به پایگاه علمی مطلوب، از ازدواج چشم پوشی کرده یا آن را به تأخیر بیندازند که این امر تا حدی از اندیشه‌های فمینیستی رواج یافته از غرب تأثیر گرفته و با دستورهای اسلام مغایر است.
۳- دورکاری و کار نیمه وقت		در اسلام ریاست خانواده به عهده مرد گذاشته شده تا با ایجاد محیطی امن و مطلوب برای زن، شرایط را برای ایفای نقش مادری مهیا سازد و در واقع این تکلیفی بر عهده مرد، برای حمایت از زن است؛ ولی متأسفانه زندگی مردسالاری سنتی در ایران و همچنین، سوءاستفاده‌های مردان از این تکلیف در جهت ظلم به زن از یک سو و رسوخ اندیشه‌های فمینیستی در فرهنگ مردم از سوی دیگر، باعث بدبینی زنان به این حق مردان شده است و در واقع، به اشتباه، آن را به گونه‌ای برخاسته از اسلام می‌دانند.
۱- تحصیل	ارتقای علمی	از مهم‌ترین فاکتورهای جنبش فمینیسم، می‌توان رسیدن زن به رشد را نام برد؛ به گونه‌ای که همه تلاش خود را معطوف به رسیدن به این هدف کرده‌اند و در این راستا، مهم‌ترین نقش زن؛ یعنی همسری و مادری را زیر سؤال برده و سعی در از بین بردن آن کرده‌اند؛ زیرا این دو عامل را مانع رشد زن دانسته، معتقدند باعث می‌شود زن نتواند پا به پای مردان در صحنه‌های مختلف ظاهر شود که این مطلب با تفکر اسلامی که بالاترین و زیباترین نقش زن را همسری و مادری می‌داند تناقض دارد.
۲- تأخیر در ازدواج		جنبش فمینیسم به بهانه رسیدن زن به آزادی و برای بالاتر نشان دادن زن و این که مرد در مقابل زن نه تنها بالاتر نیست، که در مواردی محتاج اوست، زن را به استفاده از جاذبه‌های جنسی در مقابل مردان تشویق نموده، به ترویج فرهنگ برهنگی پرداختند و با شعار آزادی نه تنها مشکلی از زنان کم نکردند، بلکه به مشکلات او هم افزودند. این نظریه درست در مقابل اصول اسلامی قرار دارد که زن را به رعایت حجاب و حیا در مقابل نامحرمان امر نموده، از جلوه‌گری در اجتماع منع می‌کند؛ موردی که متأسفانه امروزه در جامعه ما بسیار رنگ باخته و جایگاه حقیقی خود را از دست داده است.
۳- ازدواج بموقع		ریاست مرد
۴- بچه‌دار شدن	رشد زن	از مهم‌ترین فاکتورهای جنبش فمینیسم، می‌توان رسیدن زن به رشد را نام برد؛ به گونه‌ای که همه تلاش خود را معطوف به رسیدن به این هدف کرده‌اند و در این راستا، مهم‌ترین نقش زن؛ یعنی همسری و مادری را زیر سؤال برده و سعی در از بین بردن آن کرده‌اند؛ زیرا این دو عامل را مانع رشد زن دانسته، معتقدند باعث می‌شود زن نتواند پا به پای مردان در صحنه‌های مختلف ظاهر شود که این مطلب با تفکر اسلامی که بالاترین و زیباترین نقش زن را همسری و مادری می‌داند تناقض دارد.
۱- ریاست مرد؛ ظلم به زن		رشد زن
۲- ریاست مرد حامی زن		رشد زن
۱- رشد حتی به قیمت تزلزل خانواده	آزادی	از مهم‌ترین فاکتورهای جنبش فمینیسم، می‌توان رسیدن زن به رشد را نام برد؛ به گونه‌ای که همه تلاش خود را معطوف به رسیدن به این هدف کرده‌اند و در این راستا، مهم‌ترین نقش زن؛ یعنی همسری و مادری را زیر سؤال برده و سعی در از بین بردن آن کرده‌اند؛ زیرا این دو عامل را مانع رشد زن دانسته، معتقدند باعث می‌شود زن نتواند پا به پای مردان در صحنه‌های مختلف ظاهر شود که این مطلب با تفکر اسلامی که بالاترین و زیباترین نقش زن را همسری و مادری می‌داند تناقض دارد.
۲- ازدواج کند و تندکننده رشد		آزادی
۳- بچه‌دار شدن؛ کندکننده رشد		آزادی
۱- حجاب	آزادی	از مهم‌ترین فاکتورهای جنبش فمینیسم، می‌توان رسیدن زن به رشد را نام برد؛ به گونه‌ای که همه تلاش خود را معطوف به رسیدن به این هدف کرده‌اند و در این راستا، مهم‌ترین نقش زن؛ یعنی همسری و مادری را زیر سؤال برده و سعی در از بین بردن آن کرده‌اند؛ زیرا این دو عامل را مانع رشد زن دانسته، معتقدند باعث می‌شود زن نتواند پا به پای مردان در صحنه‌های مختلف ظاهر شود که این مطلب با تفکر اسلامی که بالاترین و زیباترین نقش زن را همسری و مادری می‌داند تناقض دارد.
۲- حیا		آزادی
۳- نگاه		آزادی

نتیجه‌گیری

اگر چه فمینیسم در غرب به دلایل مورد قبول و پذیرش آن جوامع متولد گردید، اما همانند سایر امواج فرهنگی ساطع شده از غرب، مرزهای فیزیکی و جغرافیایی سایر جوامع، از جمله جامعه ایران را درنوردیده، آن را نیز مورد تأثیر قرار داده است. هسته نظریه‌های فمینیستی ناظر بر آن است که تاکنون جهان را مردان تعریف کرده و زنان در این تعریف مردانه نادیده انگاشته شده‌اند. از این رو، مبانی اصلی تمامی نظریه‌های فمینیستی مبتنی بر تساوی زن و مرد در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... است. آنچه مسلم است، ایدئولوژی‌ها، نمادپردازی‌ها و ترتیبات ساختاری^۵ اجتماعی مشخص مرتبط با زنان، از فرهنگی با فرهنگ دیگر به شدت متمایز است (پیشگاهی‌فرد، قدسی، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

امروزه در غرب بر اثر تأکید جنبش فمینیسم بر آزادی جنسی و حذف نقش مادری، مشکلات عدیده‌ای، از جمله خانواده تک‌والد، خانواده چندوالد، رواج همجنس‌بازی، سقط جنین، کودکان نامشروع، بارداری در سنین کودکی، تجاوز به محارم، تجاوز به کودکان و... از مشکلات اساسی جامعه غربی شده است (عظیم‌زاده، معینی‌فر، ۱۳۹۱: ۳۳۳). بی‌کسی و تنهایی زن و مرد در غرب بیداد می‌کند و این باعث شده تا برای رفع این تنهایی به حیوانات پناه برده، آنها را همدم و مونس خود قرار دهند و حتی در بسیاری از موارد آنها را بر فرزندان خود ترجیح دهند.

به طور خلاصه، می‌توان گفت که در غرب تحت تأثیر جنبش فمینیسم، خانواده سه وظیفه حیاتی خود را از دست داده: ۱- ارضای نیازهای جنسی در چارچوبی مشخص؛ ۲- خانواده به عنوان مرکز تولید نسل و تعلیم و تربیت؛ ۳- خانواده به عنوان پشتوانه اقتصادی (عظیم‌زاده، معینی‌فر، ۱۳۹۱: ۳۰۸-۳۳۲). این در حالی است که اسلام در ۱۴۰۰ سال پیش زن و مرد را کامل‌کننده یکدیگر می‌داند و تنها عامل برتری را تقوا اعلام کرده و نشان داده است که زن و مرد در جایگاه انسانی برابر ایستاده‌اند و با توجه به این برابری، برای هر کدام

نقشی متناسب با خصوصیاتش تعریف کرده که در آن چارچوب از گزند آفات در امان می‌مانند.

ایران به عنوان یک جامعه اسلامی و مخصوصاً شیعی، می‌کوشد موازین اسلامی را در جامعه اجرا کند؛ ولی در سال‌های اخیر نفوذ تفکرات فمینیستی در برخی حوزه‌ها غیرقابل انکار است.

واقعیت ملموس این است که به علت وجود زمینه‌های تضعیف حقوق زنان در جامعه، که گاه به علت عدم تبیین صحیح و اقتناع افکار عمومی در مورد احکام دینی و گاهی صرفاً بر اساس نگاهی مردانه و متعصبانه بر جامعه زنان تحمیل گردیده، زمینه‌های پذیرش برخی نظریه‌های فمینیستی برای جامعه زنان ایران مهیا شده است.

بر اساس تحقیقی که بر تعدادی از زنان اصفهان انجام گرفت، خوشبختانه این نتیجه به دست آمد که با وجود تفکر مردسالارانه در فرهنگ ایرانی و نفوذ تفکر فمینیستی در جامعه، همچنان تفکر اسلامی مبنی بر حفظ کانون خانواده، اهمیت نقش مادری و همسری، رشد و تعالی زن در کنار مراقبت از حریم خانواده و... سرلوحه زندگی زن ایرانی قرار دارد و هنوز هم زن مهم‌ترین نقش خود را، در خانواده و حفظ و تعالی آن می‌بیند، ولی در زمینه حجاب و پوشش متأسفانه این مطلب بسیار کمرنگ شده و بروز تقیدات مذهبی در این زمینه بسیار کاهش یافته، که آثار آن را در جامعه نیز شاهدیم. از طرف دیگر، بن‌مایه‌های تفکر مردسالارانه که میراث گذشتگان است، زنان را نسبت به آموزه‌های اسلامی بدبین نموده است، زیرا به غلط آن را برخاسته از اسلام می‌دانند و این مطلب لزوم فرهنگ‌سازی مناسب در این زمینه‌ها را بیشتر می‌سازد. نتایج تحقیق، لزوم برنامه‌ریزی صحیح فرهنگی را در زمینه آموزش مبانی اسلامی در زمینه‌های وظایف زن به عنوان همسر و مادر، اشتغال، ریاست مرد و محدوده آن، لزوم حجاب و رعایت آن در جامعه آشکار می‌سازد.

پیشنهادها و راهکارها

- ۱- برنامه‌ریزی صحیح و مناسب برای آشنایی زنان و دختران با موازین ناب اسلامی
- ۲- لزوم ساخت برنامه‌های مفید رسانه‌ای و نشان دادن تأثیر فقدان مادر در تربیت فرزندان
- ۳- معرفی نمودن جایگاه و شخصیت حقوقی و انسانی زنان در اسلام
- ۴- معرفی نمودن میزان اهمیت وجودی زنان در خانواده و تأثیر آنها در استحکام خانواده
- ۵- معرفی الگوهای موفق متدین در مقابل الگوهای غربی
- ۶- نشان دادن کاستی‌ها و شکست‌های فمینیسم در غرب و ناکامی زن
- ۷- ارایه تصویر صحیح زن مسلمان بر اساس آموزه‌های ناب اسلامی
- ۸- فرهنگ‌سازی مناسب در زمینه حجاب و بیان دلایل اسلام در این زمینه به شکل غیرمستقیم از طریق رسانه، کتاب، مسابقات و....
- ۹- مبارزه با شبهات القایی ماهواره‌ها و رسانه‌های غربی در زمینه ظلم اسلام به زن
- ۱۰- مبارزه با ریشه‌های تفکر مردسالارانه در ایران و تفکیک آن از مبانی اسلام

منابع

- طباطبایی، تهران: انتشارات هرمس.
- اشتری، ب. (۱۳۸۵). *قاچاق زنان، بردگی معاصر*، تهران: نشر میزان.
- باقری، خ. (۱۳۸۲). *مبانی فلسفی فمینیسم*، تهران: نشر وزارت علوم.
- بانکی پورفرد، ا.ح. (۱۳۸۴). *حیا، اصفهان: حدیث راه عشق*.
- بانکی پور فرد، ا.ح.، ب. دانشگر و م. رضایت‌مند. (۱۳۸۲). *دختران آفتاب*، تهران: انتشارات صدا و سیما.
- بستان، ح. (۱۳۸۳). *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم: انتشارات مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- بهشتی، س. و م. احمدی‌نیا. (۱۳۸۵). *تبیین و بررسی نظریه تربیتی فمینیسم و نقد آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی*، تربیت اسلامی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بیسلی، ک. (۱۳۸۵). *چستی فمینیسم*، ترجمه: محمد رضا زمردی، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- بیهقی. (۱۹۷۵م). *دلایل النبوه*، تحقیق دکتر عبدالعلی قلجی، بیروت.
- پارسا، ف. (۱۳۸۱). «مباحثی در حقوق زوجه؛ حق مهریه و نفقه»، *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا*، ش ۴۱، ص ۶۱-۸۷.
- پیشگاهی فرد، ز. و ا. قدسی. (۱۳۸۹). «نظریه‌های فرهنگی فمینیسم و دلالت‌های آن بر جامعه ایران»، *زن در فرهنگ و هنر*، ش ۳، ص ۱۰۹-۱۳۲.
- جوکار، م. (۱۳۹۱). «گذری کوتاه بر تأثیر مدرنیسم بر خانواده با تأکید بر خانواده ایرانی»، *مجموعه مقالات سومین نشست و اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده تهران*، پیام عدالت، ج ۲.
- حرعاملی، م.ح. (۱۳۴۷). *وسایل‌الشیعه*، قم: آل‌البیت‌الاحیاء التراث.
- حسینی، ا. (۱۳۸۰). «فمینیسم علیه زنان»، *کتاب نقد*، ش ۱۷،
- اشتراوس، آنسلم، جولیت کوربین. (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌های مبانی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه: بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آقاجانی، ن. (۱۳۸۸). «چالش فمینیسم با عدالت جنسیتی»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۱۲، ص ۷-۴۸.
- استوارت میل، ج. (۱۳۷۹). *انقیاد زنان*، ترجمه: علاء‌الدین

- ص ۱۶۱-۱۸۲. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی.
- حسینی مجرد، ا. (۱۳۹۱). «بررسی بحران مادری در جهان غرب و تأثیرات آن بر جامعه ایرانی»، مجموعه مقالات سومین نشست و اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده تهران، پیام عدالت، ج ۲.
- رستمی، ا. (۱۳۷۹). جنسیت، اشتغال و اسلام‌گرایی، تهران: انتشارات جامعه.
- روح‌افزا، ف. (۱۳۹۱). «مقایسه خانواده در اسلام و غرب»، مجموعه مقالات سومین نشست و اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده تهران، پیام عدالت، ج ۲.
- رودگر، ن. (۱۳۸۸). تاریخچه نظریات، گرایش‌ها، نقد فمینیسم، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- سلطان محمدی، ف. (۱۳۹۱). «مقایسه خانواده در اسلام و غرب»، مجموعه مقالات سومین نشست و اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده تهران، پیام عدالت، ج ۲.
- شیخ‌صدوق، ابن بابویه، م.ع. (۱۳۷۰). امالی، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، تهران: کتابچی.
- طباطبایی، م.ح. (۱۳۸۴). زن در قرآن، مصحح: محمد مرادی،
- _____ (بی‌تا). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جماعه المدرسین حوزه العلمیه.
- عظیم‌زاده، ف. و م. معینی‌فر. (۱۳۹۱). «تقابل فمینیسم و کارکردهای خانواده»، کتاب اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده، تهران: پیام عدالت، ج ۱.
- فلیک، ا. (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- گرو، ب. (۱۳۷۹). زنان از دیدگاه مردان، ترجمه: محمد جعفر پوینده، چ سوم، تهران: انتشارات جامی.
- مجلسی، م.ح. (۱۴۰۴ ق). بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مشیرزاده، ح. (۱۳۸۲). از جنبش تا نظریه اجتماعی تاریخ دو قرن فمینیسم، تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- منصورزاده، م. (۱۳۸۱). مسأله زن، اسلام و فمینیسم، تهران: نشر برگ زیتون.
- مطهری، م. (۱۳۵۷). نظام حقوق زن در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
- _____ (۱۳۸۶). مسأله حجاب، قم: انتشارات صدرا.